زیر آسمان فیروزه‌ای

سماع و واقعیت‌های خدشه‌دار

مولوی، پلاک ۸۳۱

سعید برآبادی

● «ریلکه» از نخستین شعرای مدرنیسم بود که رابطه انسان و اشیا را دچار دگرگونی کرد تا آنجا که توجه و لطف هنرمندانه به اشیا و مناظر را هم تولیدگر هنر می‌دانست: «هنر، آرزوی مبهمی است که همه اشیا دارند. کلمات سرگشته، مشتاقند به شعر وارد شوند، مناظر بی‌نوا، خود را در تصاویر کامل می‌کنند... . و در نهایت چنین می‌شود: هنرمند اشیایی را که برای عرضه کردن برمی‌گزیند، از میان بسیاری روابط قراردادی‌شان از سر اتفاق بیرون می‌کشد و آنها را گردهم می‌آورد... .» مجتبی سرانجام‌پور در تازه‌ترین نمایشگاه عکس انفرادی‌اش به‌نوعی از دریچه همین نوع نگاه به زندگی روزمره مردم کشور ترکیه و رقص سماع پرداخته و از این منظر، عکس‌هایش نشانه‌ای هستند از دگرگونی نگاه به سوژه- که تولیدکننده ابژه تازه و تا حدودی متفاوت بوده است. تکنیک کلید اصلی عکس‌های سرانجام‌پور در نمایشگاهی است که «مولوی، پلاک ۸۳۱» نام دارد. این تکنیک که در میان عکاسان به «دبل اکسپوز» شهرت یافته عمری به قدمت خود عکاسی دارد و گرچه حالا به کمک رایانه، بسیاری از دستکاری‌ها و مونتاژهای ناممکن، ممکن شده، هنوز هم هستند عکاسانی که می‌خواهند با دوبار نوردهی به کاغذ عکس، مدافعان دستکاری در عکس‌های مستند برای بیان معانی تازه باشند و بی‌شک، سرانجام‌پور نیز در سفر خود به سرزمین ترکیه و دیدار با بازارها و خیابان‌ها و مجالس رقص سماع جز این نبوده به‌طوری که در ورودیه این نمایشگاه هم به همین موضوع تاکید شده است. دستکاری در مناظر روبه‌روی ما، برای بیان واقعیتی که پشت صورت ظاهری این جهان قرار گرفته، از آرزوهای دیرین هنر مدرن بوده و چندین گرایش خاص در هنرهای تجسمی میداندار آن بوده‌اند؛ سوررئالیست‌ها و داداییست‌ها بیشترین بهره را از این امکان بردند تا به بیان مالیخولیای خود بپردازند اما امروز این بهره‌وری از تکنیک «دبل اکسپوز» یا هرگونه دستکاری در واقعیت کارکرد مهم‌تری هم یافته و آن تاکید بر «بیان‌مندی» هنر است. کنارهم‌قرارگرفتن عکس‌هایی از مناظر شهرهای ترکیه، خیابان‌های شلوغ و بازارهای مکاره‌اش با جلسات سماع عارفانه که وامدار عرفان ایرانی است در عکس‌های سرانجام‌پور، جلوه‌ای متفاوت با هر دو ماده اولیه می‌یابد؛ عکس‌ها نه به‌دنبال بیان معانی عرفانی هستند و نه منعکس‌کننده حجم روبه‌گسترش مدرنیته در دل شهرهای سنتی ترکیه. آنچه در بسیاری از این عکس‌ها دیده می‌شود، ترکیب و موازنه قدرت است؛ موازنه «قدرت‌زیبایی» که به کشف زیبایی از دل چیزهایی که به‌ظاهر زیبایی ندارند، ممکن است ختم شود. در بسیاری از این عکس‌ها، حرکات موزون و مستانه قوال‌ها و صوفیان با زمختی دیوارها و سربه‌هوایی عابران خیابان ترکیب می‌شود و حاصل این ترکیب سرایت زیبایی از سوژه‌های زیبا به درون سوژه‌های روزمره بوده و اینگونه است که سماع به‌عنوان یک رقص سنتی که جایگاهی تاریخی داشته، خدشه‌پذیر می‌شود، از هنری والا و آسمانی- با حفظ جایگاه- راهی دیار زندگی روزمره شده و با متن «معاصربودن» یکی می‌شود. ۸۳۱ سال از حیات مولوی در جهان می‌گذرد. او را شاعری می‌شناسند که رابطه خود را با جهان دگرگون کرد و از منظر همین تغییر، توانست رابطه شعرش را با شعر نیز دچار تحول کند آنچنان که خود می‌گوید: «چون کشتی بی‌روزن کج می‌شد و مژ می‌شد.» آرتیست‌ها هم در دورانی که دیگر هیچ سبک و سیاقی در هنر عطر تازگی ندارد به‌دنبال آن هستند که با فاصله‌گذاری در سوژه‌ها، مخاطب را ترغیب کنند که واقعیت خدشه‌دارشده را بارهاوبارها ببیند و آن را به دلخواه خود کشف کند؛ در بهترین حالت تلاش سرانجام پور نیز جز این نیست، اگرچه که در بعضی از عکس‌ها، زرق‌وبرق تصویر مانع از آن شده که مخاطب سرگرم کشف و شهود شود و به‌ناچار تن به گرافیک عکس داده اما در اغلب عکس‌ها، ترکیب‌بندی‌ها، این اجازه را به بیننده می‌دهند که از دل یک خیابان یا یک میدان شلوغ، راهی خلوت‌های عارفانه شود و این نوع جهت‌دهی در هنر اتفاقا این‌روزها مخاطبان خوبی هم یافته است. به قول ریلکه که خود نیز از طرفداران عرفان شرقی بود: «اشیا می‌خواهند تصویرگر رازهای نهفته ما باشند و از سر شوق، مفهوم پلاسیده خود را وامی‌نهند تا همانی باشند که ما می‌پنداریم.»

رویداد

فروش ۶۲۰میلیونی «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند»

● **شرق:** بیست‌ویکمین دوره «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند»، درحالی چهارم مهر به پایان می‌رسد که در این دوره با فروش ۹۲ اثر هنری به‌مبلغ ۶۲۰میلیون‌تومان رسید. نمایشگاه «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» با ارایه ۱۷۷نقاشی، نقاشیخط و مجسمه از حدود ۱۷۰ هنرمند از ۱۵شهریور آغاز به‌کار کرد که آثار به‌نمایش درآمده از مرز ۲۵۰ اثر نیز گذشت. به گفته لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان استقبال از آثار جوانان، حضور پررنگ مجموعه‌داران نورسیده از جمله دستاوردهای مهم این رویداد بوده است. همچنین در این دوره فروش مجسمه با استقبال خوبی روبه‌رو شد و بخش عمده مجسمه‌ها از سوی مردم عادی خریداری شدند که خبر خوبی برای بازار داخلی مجسمه‌سازی به‌حساب می‌آید.

«بیداد» شجریان در فرودگاه «آتاتورک»

موسیقی ایرانی گرانبهاست

فرزانه ابراهیم‌زاده

آب حیوان تیره‌گون شد/ آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ پی کجاست/کجاست/ خون چکید از شاخ گل ابر بهاران را چه شد. اشتباه نمی‌شنیدم صدای محمدرضا شجریان بود؛ که با آهنگسازی پرویز مشکاتیان در گوشم می‌پیچید. در دستگاه همایون می‌خواند گوشه بیداد. آلبوم بیداد است. صدا در فضا پخش می‌شد. در یکی از مشهورترین سالن‌های فرودگاهی و ترانزیتی جهان و در یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جهان. سالن انتظار فرودگاه آتاتورک شهر استانبول. لحظه‌های پایانی سفرم به شهر استانبول است و در زمانی که به اعلام سوار شدن به هواپیما باقی مانده به فروشگاه محصولات فرهنگی Free shop می‌روم و در کتابفروشی‌اش به‌دنبال نسخه انگلیسی کتاب «موزه معصومیت» اورهان پاموک هستم که چند روز پیش موزه‌اش را در محله «بی اوغلو» استانبول نزدیک خیابان استقلال دیدم. آن‌طرف‌تر از غرفه کتاب‌های پاموک، استند آلبوم‌های موسیقی است. چند نفر که بهشان می‌خورد اروپایی باشند ایستاده‌اند و آلبوم‌های مختلف را نگاه می‌کنند. در دست یکی از آنها که نزدیک دستگاه پخش ایستاده است و با دقت به موسیقی گوش می‌کند، یک جعبه آلبوم موسیقی است. موسیقی آنقدر برای من آشناست که یک‌لحظه گمان می‌کنم در تهرانم، خیابان کریمخان، فروشگاه موسیقی بتهوون و شاید نشر ثالث و دارم آلبومی را برای خرید انتخاب می‌کنم. یک‌بار دیگر به مردی که داشت موسیقی را گوش می‌کرد نگاه کردم. به دقت داشت گوش می‌داد. به طرف استند موسیقی‌های فروشگاه رفتم. روی ردیف موسیقی‌ها در کنار موسیقی‌های عرفانی و فولکلور کاور چند آلبوم نظرم را جلب کرد. تصویر کیهان کلهر که دارد کمانچه می‌زند و روی آن نوشته شده: «Voices of the Shades» «سامان سایه‌ها»، The Silk Road Ensemble: Off the Map، «جاده ابریشم». -Masters of Persian Music: Saze Khamoosh Night, Silence, Desert, «ساز خاموش» و البته with M. R. Shajarian «شب سکوت کویر»؛ یکی از مهم‌ترین آثار محمدرضا شجریان و البته بیداد که در کنار اینها قرار دارد. به قیمت‌های پشت آلبوم‌ها نگاه می‌کنم. یک موسیقی عرفانی ترکی پنج یورو قیمت خورده است. چند آلبوم از لوچیا پاوارتی هفت یورو قیمت خورده است. یک کار از اعظم علی و گروه نیاز. آلبوم نیاز چهاریورو قیمت خورده است. کارهای کلاسیک هم دارد. چند کار از بتهوون با موسیقی فیلارمونیک لندن که هشت یورو قیمت دارد. آن‌سوتر موسیقی‌های سنتی و تکنوازی‌های عود و رباب است. کارهای انور ابراهیم را می‌بینم. The Astounding Eyes of Rita را قبلا گوش کرده‌ام. در بیروت خریده بودم. در آن زمان حدود چهاردلار. اینجا این آلبوم و آلبوم برزخ انور را ۱۰ یورو قیمت گذاشته‌اند. به سمت موسیقی‌های ایرانی رفتم و بیداد را نگاه کردم. قیمتی که پشت آن خورده بود را نگاه کردم. قیمت ۱۸ یورو. به قیمت امروز حدودا ۷۵هزارتومان. آلبوم‌های کیهان کلهر هم همین‌قدر قیمت خورده است. پیش از این شنیده بودم قیمت آلبوم‌های موسیقی در اروپا بسیار بالا است. اما تا جایی که می‌دانستم قیمت آلبوم‌ها بین ۱۰ تا ۱۵ یورو است. اما این قیمت مربوط به سی دی های فاخر موسیقی است. یکی از دوستانم که در تورنتو زندگی می‌کرد می‌گفت قیمت سی‌دی های کلاسیک را بین ۱۸ تا ۳۰ دلار گفته بود. البته نماینده رسمی فروش آثار استاد شجریان در ایران شرکت دل آواز است. اما به نظر می رسید که روی این دی‌وی‌دی‌ها گواهینامه شرکت دل‌آواز وجود نداشت. با این همه دی‌وی‌دی‌ها در بسته‌بندی های بسیار خوب و گرافیکی متناسب با اثر به فروش می رسید. به طرف مردی که داشت صدای شجریان را گوش می‌داد رفتم و لحظه‌ای ایستادم و به اوج صدای سنتور پرویز مشکاتیان گوش دادم و بعد از مرد پرسیدم: «این موسیقی را می‌شناسید؟» اسم شجریان را شنیده بود و چیزی از موسیقی ایرانی می‌دانست اما تابه‌حال صدای استاد آواز ایران را نشنیده بود. اهل آلمان بود. به جاهای مختلف دنیا سفر کرده بود و کمی از موسیقی می‌دانست. نظرش را درباره موسیقی پرسیدم. به‌نظرش عالی بود. این را چند سال پیش از یک دوست کانادایی و یک دوست پرتغالی هم شنیده بودم. دوست پرتغالی‌ام می‌گفت: «حسی در صدای شجریان است که در هیچ صدایی من نشنیده‌ام.» دوست پرتغالی من که ساکن لندن است، می‌گفت: «چندین فروشگاه در لندن هست که موسیقی ایرانی هم دارد. اما قیمت موسیقی ایرانی بسیار بالاست. برای همین ترجیح می‌دهم از ایران بخرم.» آن مرد در نوای کمانچه کیهان کلهر هم ضرب خاصی را شنیده بود. از من پرسید: «اهل کجا هستید؟» وقتی گفتم که ایرانی هستم، گفت: «شما می‌دانید چه می‌گوید؟» توضیح دادم که شعری از حافظ است و از روی اینترنت سعی کردم معنی شعر را برایش پیدا کنم. حافظ را می‌شناخت. اما با مولوی بیشتر آشنا بود. به ردیف موسیقی‌های عرفانی که روی میز بود اشاره کرد که پر از تصویر سماع‌گران قونیه بود. گفتم که موسیقی ایرانی نیز پر از اشعار مولاناست. به «بی‌تو به‌سر نمی‌شود» شجریان اشاره کردم که البته در میان این استند نبود. به او آلبوم «شب سکوت کویر» را هم پیشنهاد کردم. مسوول بخش کتابفروشی کتاب «موزه معصومیت» را برایم آورد. به سمت صندوق رفتم. صندوقدار زن جوانی بود که ظاهرا دیده بود من با آن آقای آلمانی صحبت می‌کنم. بلیتم را که دید گفت: «ایرانی هستی؟» و به آلبوم‌های ایرانی که روی استند بود اشاره کرد. از وضعیت فروش آلبوم‌های ایرانی گفتم و اینکه چرا قیمت‌های آنها بیشتر از بقیه است. با اینکه گفت؛ کمپانی‌ها این آلبوم‌ها را می‌آورند اما توضیح داد: «قیمت آلبوم‌های موسیقی بسته به درجه ارزش هنری و شهرت افرادی که آنها را تهیه می‌کنند متفاوت است. آلبوم‌های ایرانی که ما در اینجا می‌فروشیم کارهای نفیس و بسیار خوبی است که طرفدار هم دارد.» به یاد صحبتی که چند روز پیش با یکی از کتابفروش‌های استانبول در یکی از خیابان‌های اطراف خیابان استقلال داشتم افتادم. او هم می‌گفت: «آثار ایرانی در ترکیه طرفداران زیادی دارد. شاید به‌دلیل نزدیکی فرهنگی و همسایگی.» اما فروشنده فرودگاه معتقد بود: «موسیقی سنتی ایرانی موسیقی قابل شنیدن است و برای کسانی که طرفدار موسیقی متفاوت و عرفانی هستند جذاب است.» فروشنده کتاب معتقد بود که هنر ایرانی در چندساله گذشته مطرح شده او اصغر فرهادی را خیلی می‌شناخت و صدای کمانچه کیهان کلهر را شنیده بود. ۹ یورو قیمت کتاب پاموک را دادم که صدای بلندگوی فرودگاه یادآور شد که باید به گیت سوار شدن به هواپیما بروم. همان‌طور که می‌رفتم روی آی‌پادم آلبومی را انتخاب کردم و همان‌طور که به سمت خروجی می‌رفتم به این نوا گوش کردم: «ز عشقت سوختم ای جان کجایی جان کجایی/ بماندم بی‌سروسامان کجایی»*

یک موسیقی عرفانی ترکی پنج یورو قیمت خورده است. چند آلبوم از لوچیا پاوراتی هفت یورو قیمت خورده است. یک کار از اعظم علی و گروه نیاز. آلبوم نیاز چهاریورو قیمت خورده است. کارهای کلاسیک هم دارد. چند کار از بتهوون با موسیقی فیلارمونیک لندن که هشت یورو قیمت دارد. اما آلبوم‌های شجریان و کیهان کلهر ۱۸ یورو قیمت داشت

*بخشی از شب سکوت کویر

در چهارمین کنفرانس بین‌المللی A2 صورت گرفت

«کیارستمی» در حلقه معماران ایرانی و خارجی

شرق: تهران در روزهای پایانی شهریور میزبان کنفرانسی مهم در عرصه معماری بود؛ کنفرانسی با میهمانان ویژه و البته یک میهمان خاص. مجله بین‌المللی A2 با همراهی فصلنامه «معماری و ساختمان» به‌عنوان بانیان این حرکت روز ۲۸شهریور کنفرانسی را در فرهنگسرای نیاوران برپا کردند که آنچه به اهمیت آن می‌افزود حضور بیش از ۴۰۰معمار ایرانی و ۳۰نفر از معماران و دانشجویان آکادمی هنرهای زیبای وین و سه‌نفر از اساتید این دانشگاه بود. در کنار اینها حضور عباس کیارستمی هنرمند نام‌آشنای ایرانی در این کنفرانس رنگ‌وبوی دیگری به مراسم داد. هرچند کیارستمی برای معماران چهره‌ای آشناست و حتی تا به حال چندین مرتبه رقابت‌های مهم معماری همچون جایزه «میر میران» را داوری کرده؛ با این حال حضور او در کنفرانسی در این سطح، در مقام میهمان برای حاضران جالب بود. در این رویداد، پیمان پژوهنده به‌عنوان نماینده حامی کنفرانس از طرف شرکت آفن و کوبوآ ایراد سخنرانی کرد و بعد از آن مهندس الهه رادمهر عضو هیات‌مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، درباره اهداف و معرفی هیات‌رییسه معماری در سازمان سخنانی ایراد کرد. در ادامه احمد زُهادی مدیر مسوول و سردبیر دو مجله «معماری و ساختمان» و A2 مقدمه‌ای به دو زبان فارسی و انگلیسی برای حاضران خواند و سپس فیلم کوتاهی که نمایش مصاحبه زهادی با دکتر بال کریشنا دوشی در هندوستان بود، روی پرده رفت. در ادامه گلمر خطیبی، فریار جواهریان، بهرام شیردل و میشله هووارد به جایگاه دعوت شدند و طرح‌ها و ایده‌های خود را ارایه کردند. فریار جواهریان که سال‌هاست تحقیقات وسیعی در زمینه «باغ ایرانی» انجام داده در این کنفرانس ضمن اشاره به اینکه گنجینه طرح‌های باغ ایرانی را باید در فرش ایرانی جست‌وجو کرد، اضافه کرد: «اگر کمی به طرح‌های فرش ایرانی توجه کنیم، می‌بینیم که تقریبا همه انواع باغ‌های ایرانی در فرش‌هایمان بافته شده‌اند. من یک متخصص فرش نیستم اما سال‌هاست که راجع به باغ ایرانی تحقیق می‌کنم و با دانش نسبی‌ای که از باغ ایرانی پیدا کردم به فرش‌های ایرانی نگاه کردم و آنها را به گونه‌های مختلف تقسیم کردم و از آنجا که فرش ایرانی همیشه در باغ‌های ایرانی حضور داشته است، من را بر آن داشته که به این موضوع نیز بپردازم.» همچنین بهرام شیردل دیگر معمار برجسته این کنفرانس طرح ترادیسی پدیده اجتماعی- جغرافیایی را ارایه کرد. به باور او، دانش و فن معماری هر سرزمین، با جغرافیا و ساختار اجتماعی مردم آن سرزمین ارتباط دارد. این دانش و فن قابلیت ترادیسی دارد ولی نمی‌تواند از نقطه دیگر از جهان به این جغرافیا وارد شود. عباس کیارستمی که به‌تازگی کارگاه‌هایی را در دوحه پایتخت قطر برپا کرده در انتهای این مراسم به جایگاه دعوت شد و لوح تقدیر A2 از طریق او به سخنرانان اهدا شد. بعد از آن هم سخنران اتریشی، هومن بالازاده، علی حمیدی‌مقدم و رایا شهلایی سخنرانی خود را ایراد کردند. رایا شهلایی، با طرح ایده «معماری از گذشته به آینده» گفت: «معماری همیشه تحت‌تاثیر موضوعات و حوادث زمان خویش قرار گرفته است. دنیای امروز با سرعت سریعی چه خوب چه بد از همه‌چیز آگاه می‌شود و این در معماری نیز نقش مهمی دارد، به‌طوری که تبادل نظر، ایده‌گیری و سرعت خلاقیت هم چند برابر شده است و در نتیجه رقابت‌ها افزایش یافته است. تکنولوژی به ما کمک می‌کند که افکار و طرح‌های ذهنمان را سریع‌تر به حقیقت برسانیم.» هومن بالازاده نیز با طرح ایده «معماری نور و آجر»، ارتباط بین دستاوردهای گذشتگان و حال را موضوعی دانست که طی ادوار مختلف، مطرح شده است. ایجاد رابطه بین مفاهیم گذشته و ابزارهای حال باعث خلق روش‌های جدیدی می‌شود که می‌تواند بر دانش معماری هر منطقه‌ای بیفزاید. به‌روزکردن هر دانش بخش مهمی از پیشبرد روند ارتقای آن است. نمایش‌دادن ارزش‌های فرهنگی و تاریخی یک کشور و تبدیل آنها به شکل جدید به‌همراه تکنولوژی به‌روز، راهی بود که در چند پروژه که تمامی آنها از نظر مقیاس ساخت‌وساز بسیار معمولی بوده تجربه شد. ایجاد ارتباط با معماری ایران در شش پروژه از طریق متریال آجر و لعاب و همچنین ایده استفاده از نور و رنگ تجربه شد.

چهره روز

همراه با بزرگداشت ژازه تباتبایی

۲ فیلم خسرو سینایی در زیرزمین دستان به نمایش درمی‌آید

● **شرق:** فیلم‌های «شرح حال» و «کوچه پاییز» از مجموعه «فیلم پرتره» به‌کارگردانی خسرو سینایی که به زندگی و آثار ژازه تباتبایی اختصاص دارد، در کنار نمایشگاهی از آثار این هنرمند در زیرزمین دستان به نمایش درمی‌آید. به‌مناسبت بزرگداشت ژازه تباتبایی و آثار و فعالیت‌هایی که در مجسمه‌سازی انجام داده است، نمایشگاهی از آثار او روز جمعه، پنجم مهر برگزار می‌شود اما پیش از آن در روزهای دوم و سوم مهر دو فیلم خسرو سینایی که با موضوع ژازه تباتبایی ساخته شده‌اند، به نمایش گذاشته می‌شوند. فیلم «شرح حال» محصول سال ۱۳۴۶ در ۱۲دقیقه است که سه‌شنبه، دوم مهر ساعت ۱۹:۳۰ به نمایش درمی‌آید. سینایی در کتاب «فیلم پرتره» درباره نحوه ساخت این فیلم گفته است: «به‌تازگی با افکاری نوجو درباره هنر از اروپا به ایران برگشته بودم. دوست هنرمندم، ژازه تباتبایی به من پیشنهاد کرد بر اساس مجسمه‌های آهنی‌اش فیلمی بسازم. من که همیشه در آرزوی سینمایی فارغ از محدودیت‌های دولتی و تجاری بودم، با خوشحالی پذیرفتم و ایده فیلم «شرح حال» را یافتم: کبوتری که آزادانه پرواز می‌کند، روزی گرفتار موجودات آهنی می‌شود...» همچنین فیلم «کوچه پاییز» نیز ساعت ۱۹:۳۰ چهارشنبه سوم‌مهر نمایش داده می‌شود. این اثر به‌مدت ۸۷ دقیقه در سال ۱۳۷۵ ساخته شده و سینایی درباره آن در کتاب «فیلم پرتره» گفته است: «در دهه‌های ۱۳۳۰، ۴۰، ۵۰ و گالری هنر جدید یکی از فعال‌ترین مراکز فرهنگی غیردولتی در تهران بود. ژازه تباتبایی از بنیانگذاران این گالری و هنرمندی بسیار خاص بود. او همه عمرش را در این گالری به خلق مجسمه‌ها و تابلوهای نقاشی‌اش، برگزاری نمایشگاه‌ها، کنسرت‌ها و شب‌های شعرخوانی گذراند! گالری هنر جدید در کوچه‌ای در خیابان تخت‌جمشید (طالقانی فعلی)، کنار کوچه پاییز بود و نام فیلم را به همین جهت انتخاب کردم که در ارتباط با سرنوشت گالری، مفهومی نمادین دارد.» این دو فیلم با حضور خسرو سینایی در زیرزمین دستان واقع در خیابان فرشته، خیابان بیدار، پلاک شش به نمایش درمی‌آیند.